



پریسا سادات خضری: «من در تمام این مدت در رشته‌ای درس خواندم که چیز دیگری بود و به یکباره تصمیم گرفتم تا رویایی که از کودکی داشتم، یعنی هنر و بازیگری را دنبال کنم؛ شاید بهترین جمله برای معرفی پردیس پورعابدینی همین باشد. بازیگری که در نخستین تجربه تصویری خود در نقش راضیه خوش درخشید و بازی او مورد تحسین قرار گرفت. او با این نقش به عنوان یک چهره جدید به سینما و تلویزیون معرفی شد و یکی از بهترین بازی‌ها را در سریال «آقازاده» ارائه داد. شخصیتی که از زمان پخش و انتشار این مجموعه جای خودش را در دل و ذهن مخاطب باز کرد و خیلی زود شهرتش را به دست آورد. او با ورود به این عرصه و در اولین کار خود این شانس را داشت تا بازی در کنار بزرگان و پیشکسوتان حرفه بازیگری را تجربه کند. راجع به نقشی که در سریال «آقازاده» ایفا کرده و همچنین مسیری که در پیش گرفته با او به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه آن را می‌خوانید.

در سینمای ایران و در سینمای جهان به محض اینکه بازیگری شاه نقشی را در ابتدای مسیرش بازی می‌کند، مخاطب را چنان بر توقع می‌کند که بازیگر را از آن همه زیر ذره بین بودن به یک سرخوردگی می‌رساند. چقدر از این مساله واهمه دارید و چقدر از اظهار نظر دیگران رها هستید و کار خودتان را می‌کنید؟

حتی در دوره فیلمبرداری نظراتی را می‌شنیدم و از زمانی هم که پخش «آقازاده» شروع شد و همه کار را دیدند، نظرات متفاوتی راجع به من داشتند. اینطور نبود که بخواهم خودم را کاملا درگیر این نظرات کنم اما سعی می‌کنم نقش‌هایی که به من پیشنهاد می‌شود را بررسی کنم و آن‌هایی که حرفه‌ای هستند را انتخاب کنم. ولی قطعاً حرکت در این مسیر واهمه دارد چرا که هنوز کم تجربه هستم و از طرفی چون به قول شما شاه نقش بازی کرده‌ام، پس حتماً ادامه راه ترس بیشتری را برایم دارد. ولی خوشبختانه الان کسانی را دارم که در این راه به من کمک کنند. من با آقای عنقا و آقای توفیقی مشورت می‌کنم که بتوانم این مسیر را بدون ترس و با قدم‌های محکم‌تری بردارم تا از بی‌ثباتی‌هایی که به دلیل کم‌تجربگی اجتناب‌ناپذیرم ممکن است به وجود بیاید کاسته شود و کمتر مشکلی برایم پیش آید.



من شخصیت درونگرایی دارم. در فضای مجازی حضور دارم و پست‌ها را نگاه میکنم ولی اینطور نیستم که بخواهم به آن صورت فعلیتی داشته باشم و چنین کارهایی انجام دهم. من حتی صفحه اینستاگرامم را زمانی باز کردم که در تئاتر «قصه ظهر جمعه» کار می‌کردم و خانم نسیم ادبی که کارگردان کار بود، قصد داشت عکس‌ها را منتشر کند و بازیگرانش را معرفی و تگ کند؛ در نتیجه از من خواسته شد این صفحه را بسازم تا بتوانند من را هم داشته باشند. این شد اولین حضور من در فضای مجازی بود و قبل از آن فعالیت نداشتم. بنابراین با توجه به شخصیتی که از خودم می‌شناسم و درونگرایی و مواردی مثل این، خیلی سعی می‌کنم که همه چیز در تعادل باشد و در چارچوب کار بگذرد.

این نقش و حاشیه‌های آن این قابلیت را داشت که بتوانید از این فرصت استفاده کنید و در فضای مجازی به سمت تثبیت بیشتر در ذهن مردم قدم بردارید و بعد از آن از طریق صفحه شخصیتان به بسیاری از اهداف دیگر هم برسید اما به نظر می‌رسد که این انتخاب شما نیست؛ از شما خواسته شده که اینطور باشید و یا شخصیت پرسر و صدا و برونگرا بدین معنا ندارید؟

من شخصیت درونگرایی دارم. در فضای مجازی حضور دارم و پست‌ها را نگاه می‌کنم ولی اینطور نیستم که بخواهم به آن صورت فعلیتی داشته باشم و چنین کارهایی انجام دهم. من حتی صفحه اینستاگرامم را زمانی باز کردم که در تئاتر «قصه ظهر جمعه» کار می‌کردم و خانم نسیم ادبی که کارگردان کار بود، قصد داشت عکس‌ها را منتشر کند و بازیگرانش را معرفی و تگ کند؛ در نتیجه از من خواسته شد این صفحه را بسازم تا بتوانند من را هم داشته باشند. این شد اولین حضور من در فضای مجازی بود و قبل از آن فعالیت نداشتم. بنابراین با توجه به شخصیتی که از خودم می‌شناسم و درونگرایی و مواردی مثل این، خیلی سعی می‌کنم که همه چیز در تعادل باشد و در چارچوب کار بگذرد.

بازی کردن در نقشی که یک سیر تحولی را طی می‌کند و باید حتی مخاطب را در این رمز نگاه دارد که می‌خواهد بازی کند یا واقعاً تغییر کرده‌نیز به بازی زیرپوستی دارد که این از دل فیلمنامه بیرون نمی‌آید و به شدت به توانایی بازیگر مربوط می‌شود. فارغ از کار، در خلوت چقدر تمرین داشتید تا بتوانید روی صورت و اکت‌ها طوری تسلط داشته باشید که نقش به درستی و غیرقابل حدس در آید؟

همانطور که آقای توفیقی و آقای عنقا در مصاحبه‌ای که با آقای جیرانی داشتند اشاره کردند، فیلمنامه تقریباً روزانه به دستمان می‌رسید. بنابراین فرصت دورخوانی زیادی از روزهای قبل و تمرین‌هایی که بخواهم در خلوت برای خودم داشته باشم نبود ولی دلیل بازی زیرپوستی مورد اشاره شما این است که هدایت کارگردان به شکلی بود که خیلی کامل به حس‌هایی که در آن لحظه و سکانس نیاز بود می‌رسیدم. بسیاری از این اکت‌ها در تمرین‌هایی که جلوی دوربین و برای آقای توفیقی انجام می‌دادم ناخودآگاه در می‌آمد و ایشان بازی‌ام را متعادل یا کم و زیاد می‌کردند؛ همه این موارد به این معنی است که کارگردان بسیار روی من تأثیرگذار بود و تمرین‌هایی که نزدیک ضبط پلان می‌گرفتم به بازی‌ام بار خیلی بیشتری می‌داد.